

جایگاه گزارش فردی - اجتماعی مرتبط با بزه‌کار در حقوق کیفری ایران و انگلستان^۱

نبی‌اله غلامی^۲

محمدمتین پارسا^۳

سمیه علیزاده نجد^۴

چکیده

توجه به شخصیت مجرمان، شرایط زندگی و ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی آنان در فرایند پاسخ‌دهی به جرایم، رویکردی است که با هدف فردی کردن پاسخ‌دهی به جرایم در برخی سیستم‌های عدالت کیفری مورد توجه قرار گرفته و از جمله نمودهای عینی آن، تشکیل «پرونده‌ی شخصیت» در حقوق ایران و «گزارش پیش از تعیین مجازات» در حقوق انگلستان است. پرسش کلیدی این نوشتار معطوف بر وجوه مشابهت و افتراق هر یک از دو نهاد ذکر شده در حقوق ایران و انگلستان است و نتیجه این که، بر خلاف حقوق کیفری ایران که تشکیل پرونده‌ی شخصیت برای برخی متهمان را در همان مراحل اولیه‌ی تحقیقات مقدماتی مورد توجه قرار داده است، در حقوق کیفری انگلستان، تنها در مرحله‌ی رسیدگی در دادگاه و پس از احراز مجرمیت و پیش از صدور حکم، «گزارش پیش از تعیین مجازات» ارائه می‌شود و بر اساس این گزارش، قاضی می‌تواند تعیین مجازات نماید. این نکته با در نظر گرفتن هزینه‌هایی که با تشکیل پرونده‌ی شخصیت در فرایند تحقیقات مقدماتی بر سیستم عدالت کیفری تحمیل می‌شود، اهمیتی دو چندان می‌یابد.

واژگان کلیدی: پرونده‌ی شخصیت، فردی کردن مجازات، گزارش پیش از تعیین

مجازات.

۱. تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۵/۱۱/۲۳، تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۶/۳/۲۴.

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی (ره).

۳. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی (ره).

۴. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، نویسنده‌ی مسؤل:

درآمد

جرم محصول شرایط زیستی، روانی و اجتماعی است و بر این اساس، شناخت صحیح از ویژگی‌های بزه‌کار را موثر در اتخاذ تصمیم مناسب در روند تعقیب دادرسی و اجرای حکم به شمار آورده‌اند که نتیجه‌ی نهایی آن، اجرای عدالت کیفری و پیش‌گیری از بزه‌کاری است و گفته‌اند که امروزه واکنش کیفری در قالب ارباب و سزادهی محض در تنظیم سیاست کیفری مطلوبیت ندارد؛ بلکه مجازاتی مؤثر است که موجب ترمیم شخصیت بزه‌کار شده و وجهه‌ی پیش‌گیرانه دارد (گوهری، ۱۳۹۰: ۱). در این راستا، بسیاری از کشورها در قوانین خود ساز و کارهایی برای شناسایی خصوصیات فردی و اجتماعی بزه‌کار پیش‌بینی نموده‌اند، گزارش‌هایی در خصوص ابعاد مختلف شخصیت متهم تهیه می‌کنند و گاه چنین گزارش‌هایی را مبنای تشکیل پرونده‌ی شخصیت فرد قرار می‌دهند.^۱ این پرونده یا گزارش که در کنار پرونده‌ی کیفری تشکیل می‌شود، مشتمل بر اطلاعاتی از وضعیت عموم و خاص مجرم مانند شرایط روانی، خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی است. این پرونده تصمیم‌گیران و متولیان عدالت کیفری را به سوی گزینش روش‌های مناسب بالینی سوق می‌دهد و ایشان متناسب با اطلاعات حاصل از آزمایش‌ها و تحقیقات انجام یافته، تدابیر مناسب کیفری را اتخاذ می‌کنند. به

۱. برای نمونه به موجب ماده‌ی ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه «بازپرس مکلف است در جرایم جنایی، افزون بر پرونده‌ی قضایی، به منظور تحقیق در وضعیت مالی و خانوادگی و اجتماعی متهم دستور معاینه‌ی پزشکی، روانی یا هر گونه آزمایش‌های مفید دیگر را صادر کند». مفادی مشابه با مضمون ماده‌ی فوق در ماده‌ی ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ایران بازتاب یافته است. به موجب این ماده: «در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و هم‌چنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها ثلث دیه کامل مجنی‌علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید». در حقوق کیفری ایالات متحده نیز به رغم وجود تفاوت میان ایالت‌های مختلف در الزام یا عدم الزام به تشکیل پرونده‌ی شخصیت، رویکرد کلی، الزام به تشکیل این پرونده است. حتی در ایالتی نظیر کالیفرنیا که قانون‌گذار تشکیل پرونده‌ی شخصیت را برای بزه‌کاران «پیش‌رس» (زیر سن بلوغ) الزامی ندانسته است، رویه‌ی قضایی بر لزوم تشکیل آن تاکید و توجه نموده است. هم‌چنین بند ۱۶ از مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه‌ی اطفال و نوجوانان، با عنوان «گزارش‌های تحقیق اجتماعی» مقرر می‌دارد: «در کلیه‌ی موارد به استثنای جرایم خرد، پیش از اتخاذ تصمیم نهایی و صدور حکم، پیشینه و شرایط زندگی نوجوان یا شرایط ارتکاب جرم بررسی خواهد گردید تا صدور حکم توسط مرجع ذی‌صلاح را تسهیل نماید» (آشوری، ۱۳۸۸: ۱۹۲).

عبارت دیگر، در پرونده‌ی شخصیت، جنبه‌های انسانی و اجتماعی جرم با مطالعه‌ی گذشته‌ی خانوادگی، تحصیلی، حرفه‌ای، روانی و فیزیولوژیکی مباشر آن و انگیزه‌ی ارتکاب جرم و به طور کلی حالت عمومی بزه‌کار بررسی می‌شود.

در حقوق کیفری ایران، مجموع چنین گزارش‌هایی با عنوان «پرونده‌ی شخصیت» شناخته شده و در سه مرحله‌ی پیش از دادگاه (تحقیقات مقدماتی)، رسیدگی در دادگاه و پس از صدور حکم (مرحله‌ی اجرای حکم) مورد شناسایی قرار گرفته است. ضرورت تهیه‌ی گزارش در ارتباط با متهم و تشکیل پرونده‌ی شخصیت در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری تصریح گردید. لحاظ نمودن سوابق و وضعیت فردی و اجتماعی متهم در اتخاذ تصمیم از سوی دادگاه به موجب قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار گرفته است، اما آن چه به موضوع نوشته‌ی حاضر مربوط است، تنها به نحو تلویحی از برخی مواد قابل استنباط است که به آن اشاره خواهیم کرد. لزوم تشکیل پرونده‌ی شخصیت با کیفیت مورد نظر این نوشته بر اساس آیین‌نامه‌ی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۴ فقط در مرحله‌ی اجرای مجازات حبس و صرفاً به منظور طبقه‌بندی زندانیان الزامی اعلام شده است.

در نظام قضایی انگلستان، تحقیق در مورد سوابق و وضعیت فعلی اجتماعی و شخصی متهم تنها از سوی قاضی و در مرحله‌ی رسیدگی در دادگاه انجام می‌گیرد. در سال ۱۹۰۶ میلادی کمیته‌ی «استریت‌فیلد» اعلام کرد که «اصل اساسی در سراسر کشور این است که مجازات باید بر اساس اطلاعات قابل اعتماد و جامعی باشد که با اهداف دادگاه مرتبط است» (Williams, 1961: 360). طی سه دهه‌ی پس از این گزارش، ارائه‌ی گزارش تحقیق اجتماعی^۱ به دادگاه با افزایش چشم‌گیر مواجه بود. این گزارش‌ها در بهترین حالت، دادگاه را از سوابق و وضعیت مجرم و نگرش او به جرم آگاه می‌کرد و در خصوص ابزار در دسترس برای برخورد مناسب با مجرم و احتمالاً پیشنهاد یک مجازات به طور خاص اقدام می‌کرد. قانون عدالت کیفری^۲، دادگاه‌ها را به اخذ و لحاظ نمودن گزارشی در خصوص مجرم ملزم نمود

1. Social inquiry reports

2. the Criminal Justice Act (2003)

(Ashworth, 2010: 378). گزارش‌هایی که اساساً با عنوان گزارش پیش از تعیین مجازات^۱ شناخته می‌شود، پس از صدور حکم محکومیت و به منظور اتخاذ بهترین تصمیم در برخورد با مجرم مورد استفاده قرار می‌گیرد (Martin, 2014: 118). این گزارش‌ها بدین نحو تعریف شده است: «گزارش‌هایی که برای ارزیابی مجرم از سوی دادگاه جهت تعیین بهترین شیوه‌ی برخورد با اوست. این گزارش توسط یک مقام صلاحیت‌دار تهیه و حاوی اطلاعاتی است که بر اساس شیوه‌ی تعیین شده از سوی وزارت کشور ارائه خواهد شد» (Section 158 of the Criminal Justice Act 2003).

حال با توجه به این که مد نظر قرار دادن سوابق اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی، تحصیلی، وضعیت روانی و پزشکی متهم و شرایطی که منجر به وقوع جرم از سوی مجرم شده است در کنار پرونده‌ی کیفری، باعث شناخت مقام قضایی نسبت به شخصیت مجرم و انگیزه‌ها و علل ارتکاب جرم شده و زمینه‌ی انتخاب واکنش مناسب و مؤثر را در محکمه به منظور تحقق اهداف فردی کردن مجازات فراهم می‌سازد، نوشته‌ی حاضر در پی بررسی فرایندی است که هر یک از نظام‌های قضایی ایران و انگلستان در تحقق این هدف به کار گرفته‌اند تا از این رهگذر، نقاط قوت و ضعف احتمالی نظام حقوقی ایران شناسایی و راه‌کار ارائه شود.

مطالب این نوشتار طی چهار عنوان در پی بیان و ارزیابی مهم‌ترین شاخصه‌های این نهاد در هر دو کشور است. این عناوین عبارت است از: مواردی که چنین گزارش‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ میزان الزام‌آوری آن‌ها در تصمیم‌گیری مقامات قضایی؛ مقام‌هایی که در تهیه‌ی آن‌ها نقش دارند؛ و افرادی که به محتوای چنین گزارش‌هایی دسترسی دارند.

۱. شرایط به‌کارگیری گزارش

در حقوق کیفری ایران تا پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، به ضرورت تشکیل پرونده‌ی شخصیت در خصوص افراد بزرگسال (بیش



از هجده سال تمام) در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی تصریح نشده بود.^۱ تدوین کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری، به پرونده‌ی شخصیت در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی توجه داشته‌اند.^۲ در ماده‌ی ۲۰۳ این قانون چنین آمده است: «در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه یک تا چهار است و هم‌چنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها نصف دیه کامل مجنی‌علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می‌شود، حاوی مطالب زیر خواهد بود: الف- گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم؛ ب- گزارش پزشکی و روان‌پزشکی». در ارتباط با اطفال و نوجوانان، ماده‌ی ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (با اصلاحات ۱۳۹۴) مقرر می‌کند: «علاوه بر موارد مذکور در ماده (۲۰۳) این قانون، در جرایم تعزیری درجه پنج و شش نیز تشکیل پرونده‌ی شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است».

هر چند در مرحله‌ی رسیدگی در دادگاه نمی‌توان مقرره‌ای را یافت که به

۱. پیشینه‌ی تشکیل پرونده‌ی شخصیت در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی به «قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهارک» مصوب ۱۳۳۸ برمی‌گردد. به موجب ماده‌ی ۴ این قانون، به کلیه جرایم اطفال که سن آن‌ها بیش از شش سال تمام و تا هجده سال تمام بود، در دادگاه اطفال رسیدگی می‌شد. ماده‌ی ۷ همین قانون مقرر می‌داشت: «چنان‌چه تحقیقاتی درباره وضع مزاجی یا روحی اطفال یا ابویین او یا وضع خانوادگی طفل و محیط معاشرت او لازم شود، دادگاه اطفال می‌تواند تحقیقات مزبور را خود یا به هر وسیله‌ای که مقتضی بداند انجام دهد و یا نظر اشخاص صلاحیت‌دار را جلب کند. دادگاه اطفال نیز می‌تواند از متخصصین فنی یا افراد مورد اعتمادی که بتوانند تحقیقات مزبور را انجام دهند استفاده نماید». بدین ترتیب مشاهده می‌شود مفاد پرونده‌ی شخصیت بدون کاربرد چنین اصطلاحی مورد اشاره قانون‌گذار بوده است. ماده‌ی ۲۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز مفاهیم مشابهی را مقرر می‌نمود. به موجب این ماده «چنان‌چه درباره وضعیت روحی و روانی طفل یا ولی یا سرپرست قانونی او یا خانوادگی و محیط معاشرت طفل تحقیقاتی لازم باشد، دادگاه می‌تواند به هر وسیله‌ای که مقتضی بداند آن را انجام دهد و یا نظر اشخاص خبره را جلب نماید». این ماده نیز امکان انجام تحقیقات روان‌شناختی، خانوادگی و اجتماعی طفل را به دادگاه می‌دهد، اما این تحقیقات باید در چارچوب همان پرونده‌ی کیفری و نه به عنوان امری مستقل شکل می‌گرفت.

۲. این نهاد مشابه روشی موسوم به «Pre-sentence Investigation Report» است که در نظام حقوقی آمریکا استفاده شده است.

صراحت ضرورت لحاظ نمودن پرونده‌ی شخصیت را در فرایند تعیین مجازات مقرر نماید، اما از این نکته نباید غافل بود که پرونده‌ی متشکله در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی، در دسترس قاضی قرار گرفته و هم‌چنین تصمیمات اتخاذ شده از سوی مقام تحقیق بر جریان پرونده در دادگاه و نظر قاضی اثرگذار خواهد بود. در مورد اهمیت گزارش‌هایی که در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی در قالب پرونده‌ی شخصیت تهیه شده است می‌توان به ماده‌ی ۲۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره نمود که در بند چ، یکی از مواردی که الزام به درج آن در کیفرخواست است را خلاصه‌ای از پرونده‌ی شخصیت یا وضعیت روانی متهم دانسته است. هم‌چنین می‌توان از چند مورد تلویحی که حاکی از نیاز به دریافت و لحاظ نمودن چنین گزارش‌هایی است نام برد. ماده‌ی ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند...» و طبق بند پ ماده‌ی ۳۸، یکی از جهات تخفیف «اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم» است. حکم مندرج در بند ث همین ماده هم که بر کسب اطلاعات فراحقوقی راجع به مجرم و مطالعه‌ی پیشینه‌ی او تأکید دارد، جز از طریق تشکیل پرونده‌ی شخصیت محقق نمی‌شود؛ تا قاضی کیفری بتواند با یافته‌های مددکاران، مجازاتی متناسب با شخصیت وی اتخاذ نماید.

طبق ماده‌ی ۴۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در جرایم موجب تعزیر درجه‌های شش تا هشت، دادگاه پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه‌ی وضعیت فردی، خانوادگی، اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده، تحت شرایطی می‌تواند صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد و در مواد بعدی نیز شرایط و چگونگی تعویق و بهره‌مندی از گزارش‌های مددکار اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم را برای تعلیق اجرای مجازات معین نموده است (ماده‌ی ۴۶). در این مواد قانونی، تنظیم پرونده‌ی شخصیت و استناد به آن برای صدور مجازات به طور ضمنی ضرورت یافته است.

پرسشی که در این جا به ذهن متبادر می‌شود این است که قاضی کیفری چگونه از وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم‌علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده، مطلع خواهد شد. آیا تشکیل پرونده‌ی شخصیت، به طور ضمنی تکلیف نشده است؟ به نظر می‌رسد قانون‌گذار با عبارت ماده‌ی فوق‌الذکر، به ضرورت تشکیل پرونده‌ی شخصیت اشاره داشته و ملاحظه‌ی وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم‌علیه تکلیفی است که قانون بر عهده‌ی دادگاه نهاده است.

پرونده‌ی شخصیت در مرحله‌ی اجرای حکم و استفاده از نهادهایی هم‌چون آزادی مشروط، عفو و هم‌چنین طبقه‌بندی زندانیان نمود بیش‌تری دارد. از آنجا که اعطای آزادی مشروط طی مدت حبس صورت می‌گیرد و با توجه به شخصیت فرد بزه‌کار و سایر شرایطی که قانون‌گذار لحاظ کرده محقق می‌شود، شناخت شخصیت در مرحله‌ی اجرای حکم به مأموران اجرا اجازه می‌دهد با توجه به نتایج حاصله از اجرای حکم، تأثیر آن را در مورد هر محکوم مورد بررسی قرار داده و دریابند که آیا نتایج مطلوب به دست آمده است یا این که باید در روش اجرای حکم، متناسب با شخصیت محکوم تغییراتی داده شود و بدین ترتیب با امعان نظر در نتایج حاصله، اقدامات بعدی را پایه‌ریزی کنند (محسنی، ۱۳۷۵: ۳۱).

از ویژگی‌های بارز آیین‌نامه‌ی اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، توجه به تشکیل مؤسسات اشتغال و حرفه‌آموزی، تشکیل پرونده‌ی شخصیت برای زندانیان و واگذاری اختیارات جدید به شورای طبقه‌بندی زندان‌ها است.

واحد پذیرش و تشخیص زندان، محلی برای شناخت محکومان است و وفق ماده‌ی ۴۷ آیین‌نامه‌ی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی: «واحد پذیرش و تشخیص محلی است برای پذیرش، بررسی و شناخت خصوصیات شخصیت محکومان و متهمان که زیر نظر مسؤول مربوطه انجام وظیفه می‌نماید». ماده‌ی ۶۳ مقرر می‌دارد: «در هر مرکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا زندان قسمتی به نام تشخیص به منظور شناخت شخصیت محکومان و متهمان و طبقه‌بندی آنان با استفاده از خدمات کارشناسان متخصص تشکیل می‌گردد که تهیه و تنظیم و نگه‌داری پرونده شخصیتی آنان به شرح مواد بعدی به عهده این قسمت است».

طبق ماده‌ی ۶۴ همین آیین‌نامه، محکومان حداکثر دو ماه در قسمت پذیرش تحت آزمایش‌های گوناگون جسمی و روحی قرار گرفته و توانایی‌ها و اطلاعات مختلف آن‌ها و تحقیقات مربوط به سوابق فردی و اجتماعی آنان بررسی و ضمیمه‌ی پرونده می‌شود تا در شورای طبقه‌بندی مورد استفاده قرار گیرد.

بنابراین در نظام حقوقی ایران، طبقه‌بندی زندانیان تنها در مرحله‌ی اجرای مجازات حبس و به منظور شناسایی آنان ضروری است. مددکاران اجتماعی طبق فرم‌های تنظیمی از سوی سازمان زندان‌ها، در مورد پیشینه‌ی زندگی فرد تحقیقات لازم را به عمل آورده و با اخذ نظر متخصصان بالینی، گزارش کاملی از دوران طفولیت تا زمان تنظیم گزارش در محیط‌های خانوادگی، تحصیلی، حرفه‌ای و غیره همراه با تهیه می‌نمایند و پس از انقضای مدت اقامت در قسمت پذیرش و تشخیص، کلیه‌ی گزارش‌های متخصصان در پرونده‌ی او متمرکز می‌شود تا در شورای طبقه‌بندی مطرح شود (ماده‌ی ۶۵ آیین‌نامه). این شورا به مثابه کمیسیون اجرا و اعمال نظارت در حقوق فرانسه، پس از ملاحظه‌ی پرونده‌ی شخصیت زندانی و مشورت با رئیس زندان و سایر واحدها از جمله یک نفر روان‌شناس، یک نفر مددکار و هم‌چنین مسؤولان واحدهای بازپروری و انتظامی در خصوص تعیین محل استقرار زندانی، اشتغال یا عدم اشتغال در مراکز حرفه‌آموزی و استفاده یا عدم استفاده از آزادی مشروط و یا عفو و بخشودگی تصمیم‌گیری می‌نماید (گوهری، ۱۳۹۰: ۱۹۴).

قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در مواد ۶۳ تا ۸۶، ضمن تبیین مجازات‌های جایگزین حبس، در ماده‌ی ۷۷ مقرر داشته است که قاضی مجری احکام مجازات‌های جایگزین حبس، ضمن بهره‌مندی از مددکاران اجتماعی و مأمور مراقبت می‌تواند با توجه به وضعیت محکوم و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادر کننده‌ی رأی پیشنهاد کند.

بدین‌سان، پرونده‌ی شخصیت در اجرای کیفر سلب کننده‌ی آزادی، در نظام کیفری ایران عینیت دارد. مددکاران اجتماعی، پزشکان و متخصصان بالینی بر اساس نتایج تحقیقات و آزمون‌های مختلف و برآورد علمی نتایج یافته‌ها، به آسیب‌های شخصیتی بزه‌کار پی می‌برند و برای تنظیم برنامه‌ی بازپروری و اصلاح،

مناسب‌ترین نحوه‌ی برخورد با وی را در پرونده‌ی شخصیت منعکس می‌کنند و بر اساس مندرجات این پرونده، شورای طبقه‌بندی زندانیان درباره‌ی چگونگی سرنوشت کیفری محکومان در زندان و مؤسسات، تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کند (محمدرضاپور، ۱۳۹۲: ۳۳۶).

در قوانین کیفری انگلستان می‌توان موادی را مشاهده نمود که دادگاه‌ها را به اخذ و لحاظ نمودن «گزارش پیش از تعیین مجازات» در تصمیم خود ملزم می‌نماید. البته اخذ چنین گزارشی تنها در موارد خاص تعیین شده ضرورت دارد که عبارت اند از: پیش از صدور دستور خدمات اجتماعی^۱، پیش از اتخاذ این تصمیم که پرونده مستعد صدور حکم حبس است، پیش از تصمیم در مورد کوتاه‌ترین مدت واکنش نسبت به مجرم متناسب با جدی بودن جرم و پیش از تعیین این که مجرم بر اساس شروط مقرر، خطرناک است یا خیر (Section 156 of the Criminal Justice Act 2003). با این حال، قصور در گرفتن گزارش، مجازات را نامعتبر نمی‌کند و اگر دادگاه بر این باور باشد که گرفتن گزارش طبق تمام شرایط گفته شده غیر ضروری است، الزامی به اخذ آن ندارد (Ursula, 2006: 128).

فرم و محتوای این گزارش‌ها بر اساس معیارهای «استاندارد ملی برای مدیریت مجرمان»^۲ (۲۰۰۷) سامان‌دهی می‌شود. دسترسی به گزارش استاندارد باید متعادل و مبتنی بر واقعیت دقیق باشد؛ بر خطر تحمیل آسیب جدی مانند احتمال تکرار جرم تمرکز کند؛ و شامل اطلاعاتی از بزه‌دیده‌ی محروم از اسناد در دسترس باشد. این گزارش معمولاً زمانی درخواست می‌شود که حکم محکومیت پس از نپذیرفتن گناه کار بودن صادر شود. این گزارش‌ها معمولاً شامل مواردی چون توصیف کامل اقدام مجرمانه، سوابق آموزشی، شغلی، اجتماعی، اقامتی و پزشکی مجرم است و محیطی که مجرم به آن باز خواهد گشت و تشریح کامل سوابق کیفری او را در بردارد (Black, 1990: 1184) و به نکات زیر اشاره می‌نماید:

- مجازات پیشنهادی و به عنوان مثال، مجازات اجتماعی یا تعویق صدور

حکم؛

1. community service order
2. National Standards for the Management of Offenders

- تعداد، تکرار و شدت دفعات برنامه‌های مورد نظر؛
 - اقداماتی که باید به آن‌ها ملزم شود و تعداد تماس‌های لازم جهت اعمال نظارت؛

- اقداماتی که باید انجام دهد،
 - جزئیات اموری که انجام آن‌ها ممنوع است (Ursula, 2006: 129).
 در خصوص مجرمی که زیر هجده سال دارد، دادگاه در صورتی به گزارش متوسل می‌شود که مجازات حبس در نظر گرفته باشد؛ یا اگر مجازات اجتماعی در نظر دارد، جرم از نوع جرایم قابل کیفرخواست باشد. همچنین اگر پرونده مشمول این دو شرط نباشد، اما گزارش دیگری در خصوص جرم قبلی (هر چند احتمالاً نسبتاً جدید) وجود داشته باشد، اخذ گزارش الزامی است (مواد (۷) ۸۱ و بخش (۹) ۳۶ قانون اختیارات دادگاه‌های کیفری^۱).

دادگاه باید تمام اطلاعات در دسترس پیرامون رفتار کلی بزه‌کار، فضای خانه، سوابق تحصیلی و سابقه‌ی پزشکی او را در نظر گیرد. افزون بر گزارش مددکار اجتماعی حوزه‌ی محلی (یا مأمور دوره‌ی مراقبتی) گزارشی از سوی مدرسه‌ی نوجوان و در صورت لزوم پزشک او اخذ می‌شود. (بخش‌های ۱۰ و ۱۱ قواعد دادگاه صلح^۲ و بخش ۹ قانون اطفال و نوجوانان مصوب ۱۹۶۹^۳). به علاوه پیش از تعیین مجازات در مورد یک نوجوان، دادگاه باید به او یا والدین او یا مددکار، یک فرصت برای بیان اظهارات در خصوص حکم مناسب را بدهد (Hungerford-Welch, 2004: 566).

حال با در نظر گرفتن موضع حقوقی دو کشور در مورد کاربرد گزارش‌های مرتبط با وضعیت فردی و اجتماعی بزه‌کار، ذکر چند نکته به شرح زیر در خصوص تهیه‌ی گزارش در مجموع قوانین ایران لازم است:

نخست این که نظام قضایی ایران تهیه‌ی چنین گزارش‌هایی را محدود به شدیدترین پاسخ‌های در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی کیفری نموده است، اما این

1. the Powers of Criminal Courts (Sentencing) Act 2000
 2. the Magistrates' Courts Rules (1992)
 3. Children and Young Persons Act (1969)

نکته را نیز باید در نظر گرفت که نظام قضایی ایران بر خلاف انگلستان، حبس را به عنوان آخرین ابزار موجود نمی‌داند و استفاده از آن را امری استثنایی تصور نمی‌کند. به همین جهت، تشکیل پرونده‌ی شخصیت نه در تمام مواردی که مجازات قانونی عمل حبس است، بلکه در خصوص اقداماتی که مجازات قانونی آن پنج سال حبس و بیش‌تر باشد (مجازات تعزیری درجه‌های چهار و بالاتر) پیش‌بینی شده است.

دوم، مشخص نیست که هدف از اشاره‌ی کلی به تشکیل پرونده‌ی شخصیت در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، قطع عضو و حتی حبس ابد است، چیست؛ زیرا جدای از اعدام‌های تعزیری، بسیاری دیگر از مصادیق این مجازات‌ها از سنخ قصاص یا حد بوده^۱ که شرایط آن به صورت ثابت معین شده است. در این‌گونه جرایم، وضعیت فردی و اجتماعی متهم تأثیری در فرایند رسیدگی و اجرای مجازات ندارد و یا در صورت اثرگذار بودن، لزوماً در پرونده‌ی کیفری قید خواهد شد^۲ و از این جهت متفاوت از گزارش‌هایی است که مبنای تشکیل پرونده‌ی شخصیت قرار می‌گیرد؛ زیرا به تصریح ماده‌ی ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) پرونده‌ی شخصیت در کنار پرونده‌ی کیفری و جدای از آن تشکیل خواهد شد.

سوم، در ارتباط با اطفال و نوجوانان باید گفت که هر چند گسترش دامنه‌ی لزوم تشکیل پرونده‌ی شخصیت به جرایم تعزیری درجه‌ی شش (یعنی مجازاتی که حبس بیش از شش ماه دارد) نکته‌ی مثبت این ماده است، اما هم‌چنان ایراد و ابهامی که در ماده‌ی ۲۸۶ بدان اشاره شد، پابرجا است که می‌تواند مانع تحقق اهداف مورد نظر باشد.

چهارم، در مرحله‌ی رسیدگی در دادگاه، یعنی مرحله‌ای که در انگلستان قاضی از اختیارات خود برای تهیه گزارش استفاده نموده تا در تعیین برخورد با مجرم مناسب‌ترین تصمیم را اتخاذ نماید (-Section 156 of the Criminal Jus

۱. مانند سلب حیات در نتیجه‌ی قصاص نفس، اعدام ناشی از زنا یا محارم، سنگسار و لواط، سرقت در مرتبه‌ی چهارم و تکرار جرایم حدی. هم‌چنین مانند قطع عضو ناشی از قصاص عضو، سرقت حدی و محاربه.
 ۲. به عنوان مثال، دفاع مشروع در قصاص نفس یا عضو، بررسی وجود یا عدم وجود احسان برای تحقق زنا، محسن یا محصنه و یا وضعیت اقتصادی متهم جهت اثبات سرقت حدی.

۲۰۰۳ Act) قوانین ایران تنها به صورت تلویحی به این موضوع پرداخته‌اند. این بدان معناست که در واقع امر، مقدمات و ابزارهای لازم برای حصول شناخت مورد انتظار از تهیه‌ی این گزارش‌ها، در دسترس حاکم دادگاه نیست.

در حقوق انگلستان «گزارش پیش از تعیین مجازات» به استناد بخش ۱۵۸ (۱) قانون عدالت کیفری این کشور، پس از احراز مجرمیت و تنها برای تعیین مناسب‌ترین واکنش نسبت به مجرم تهیه می‌شود؛ بنابراین پس از اتخاذ چنین تصمیمی، کاربرد خود را از دست خواهد داد و انتظار می‌رود در فرایند اجرای حکم گزارش‌های دیگری متناسب با هدف پیش رو تهیه گردد. در ایران به موجب آیین‌نامه‌ی نحوه‌ی تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان مصوب ۱۳۸۵، در صورت محکوم شدن مجرم به حبس، تهیه‌ی گزارش از وضعیت اجتماعی و فردی در مورد او به منظور طبقه‌بندی زندانیان صورت خواهد گرفت که البته انتظار اثربخشی چندانی از آن نمی‌رود. هم‌چنین در راستای اجرای ماده‌ی ۴۵ قانون مجازات اسلامی موضوع صدور حکم معافیت از کیفر پس از طی مدت تعویق صدور حکم و ماده‌ی ۴۶ همین قانون در ارتباط با شرایط جواز تعلیق اجرای مجازات نیز، کنکاش در وضعیت فردی و اجتماعی مجرم و تشکیل پرونده‌ای مستقل از پرونده‌ی قضایی ضروری خواهد بود.

۲. میزان الزام‌آوری و ضمانت اجرا

وفق ماده‌ی ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) بازپرس مکلف است حین انجام تحقیقات مرتبط با جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه‌ی یک تا چهار است و هم‌چنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه‌ی نصف دیه‌ی کامل مجنی‌علیه یا بیش از آن است، دستور تشکیل پرونده‌ی شخصیت متهم را صادر نماید.

حال در خصوص الزام‌آوری بررسی وضعیت فردی و اجتماعی متهم در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی دو نکته باید مورد توجه قرار گیرد: نخست، مواردی که اخذ این گزارش‌ها الزامی است و دوم، نفس الزامی بودن. منظور از نکته‌ی نخست، مواردی است که تهیه‌ی گزارش در خصوص وضعیت فردی و اجتماعی

الزامی است که این نکته در قسمت پیش مورد بحث قرار گرفت؛ اما در خصوص نفس الزام‌آوری، این نکته جلب توجه می‌کند که هر چند قانون از مکلف بودن بازپرس به صدور دستور تشکیل پرونده‌ی شخصیت صحبت کرده است، اما لوازم این الزام‌آوری را مشخص ننموده است. منظور از این لوازم آن است که معین نشده است که مددکاران اجتماعی طی چه مدتی مکلف به تهیه پرونده هستند؛ پس از تهیه مفاد آن به چه نحو باید از سوی مقامات قضایی مورد استفاده قرار گیرد؛ و از همه مهم‌تر، ضمانت اجرای عدم رعایت این وظیفه از سوی آنان چیست؛ آیا تخلف انتظامی بازپرس محسوب می‌شود یا موجب بی‌اعتباری قرارهای صادره و کیفرخواست است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که صحبت از تکلیف بدون تعیین نتیجه‌ی عدم رعایت آن، معنایی نخواهد داشت.

در مرحله‌ی رسیدگی دادگاه نیز وضع به همین منوال است؛ یعنی هر چند قانون مجازات اسلامی به ملاحظه‌ی وضعیت فردی، خانوادگی، اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده اشاره کرده است، اما از این مواد لزوم تشکیل پرونده‌ی شخصیت یا دریافت گزارش‌هایی در خصوص متهم برداشت نمی‌شود و هم‌چنین نتیجه‌ی عدم رعایت این تکالیف مشخص نشده است.

در مرحله‌ی اجرای مجازات حبس نیز که بر لزوم تشکیل پرونده‌ی شخصیت اشاره شده و فرایند آن به طور دقیق بیان گشته است، نشانه‌ای از ضمانت اجرای عدم رعایت این فرایند و در نظر نگرفتن سوابق خانوادگی و اجتماعی و روانی متهم مشاهده نمی‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در هیچ یک از مراحل رسیدگی اخذ گزارش‌های مختلف در مورد متهم و لحاظ کردن آن‌ها در تصمیم قضایی، به معنای واقعی الزام‌آور نیست.

در نظام قضایی انگلستان در خصوص الزام‌آوری اخذ و لحاظ نمودن مفاد گزارش باید قائل به تفصیل شد. به موجب یک قاعده‌ی کلی باید گفت که در این

۱. با در نظر گرفتن این نکته که مطالب این پرونده تنها به طور خلاصه ضمن کیفرخواست به دادگاه ارسال می‌شود، در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی نیز شاید ماده‌ی ۲۵۰ را بتوان تنها موردی دانست که محتوای این گزارش مورد استفاده قرار می‌گیرد: «قرار تأمین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد».

کشور قاضی هیچ‌گاه اجبار به اخذ گزارش در ارتباط با وضعیت متهم ندارد؛ زیرا بخش ۱ (۸۱) قانون اختیارات دادگاه کیفری (جهت تعیین اعمال مجازات) سال ۲۰۰۰، هر چند دادگاه را ملزم به اخذ و لحاظ نمودن یک گزارش پیش از تعیین مجازات کرده است؛ اما هم‌چنان مقرر نموده است که اگر دادگاه معتقد به عدم ضرورت اخذ گزارش باشد، الزامی به انجام آن ندارد. بخش ۳۶ (۴) این قانون نیز مقرر می‌کند که دادگاه پیش از صدور دستور خدمات اجتماعی، پیش از صدور یک قرار ترکیبی، قرار دوره‌ی مراقبتی یا نظارت، ملزم به اخذ و لحاظ نمودن گزارش است، اما مجدد تأکید می‌کند: «مگر این که دادگاه معتقد باشد گزارش غیر ضروری است».

چنان‌چه دادگاه در مواردی که به وجود آن برای تعیین مجازات مقرر شده است، بدون دریافت گزارش تعیین مجازات کند و سپس این مجازات تعیین شده با تجدید نظر خواهی مواجه شود، دادگاهی که از او تجدید نظر خواهی شده است نیز می‌تواند به دو شرط و بدون این که دستور به تهیه گزارش دهد، مساله را رسیدگی کند: نخست، معتقد باشد که دادگاه نخستین در خصوص عدم نیاز به دریافت گزارش محق بوده است؛ دوم، به این نتیجه برسد که اگر چه اخذ گزارش از طرف دادگاه نخستین لازم بوده، اما در حال حاضر ضرورتی ندارد.

در صورتی که قاضی دستور تهیه گزارش را بدهد در ارتباط با ضرورت لحاظ نمودن مفاد این گزارش‌ها در تعیین مجازات می‌توان قائل به تفصیل شد. قاضی می‌تواند به منظور ارزیابی تناسب نوع خاصی از برخورد، تعیین مجازات را به تعویق اندازد؛ و یا بدون تمرکز بر اقدامی خاص و صرفاً جهت کسب اطلاعات در خصوص متهم به منظور تعیین مناسب‌ترین واکنش نسبت به او، دستور تهیه گزارش را به مددکار اجتماعی یا مأموران سرویس دوره‌ی مراقبتی صادر کند (Tata et al. 2008: 842).

اگر دادگاه پرونده را به منظور ارزیابی تناسب جرم برای مجازاتی معین به تأخیر اندازد و گزارش تناسب را تأیید کند، برای دادگاه تحمیل مجازات حبس مقدور نخواهد بود. در پرونده‌ای^۱ تعیین مجازات به منظور ارزیابی تناسب وضعیت

1. R. v Gillam (1980) 2 Cr App R(S) 267

محکوم برای خدمات اجتماعی به تعویق افتاد، اما قاضی به رغم نظر مثبت بودن گزارش، حکم حبس صادر کرد. قاضی دادگاهی که به تجدید نظر خواهی از این پرونده رسیدگی می‌کرد، چنین حکم داد: «هنگامی که یک قاضی تعیین مجازات را به تعویق می‌اندازد تا جایگزین حبس مورد ارزیابی قرار گیرد و آن جایگزین از تمامی جهات رضایت‌بخش تشخیص داده می‌شود، دادگاه باید جایگزین را بپذیرد. در غیر این صورت، احساس بی‌عدالتی برانگیخته می‌شود» (Hungerford-Welch, 2004: 569).

دادگاه باید روشن کند که وقتی تقاضای گزارش می‌کند، تمام گزینه‌ها هم‌چنان باز است. دادگاه مکلف به پذیرش نتایج منعکس شده در گزارش نیست. برای مثال، اگر گزارش بگوید که دوره‌ی مراقبتی واکنش مناسب برای مجرم است، دادگاه ملزم نیست که این نظر را بپذیرد. در پرونده‌ای^۱ با موضوع ایجاد آسیب بدنی از طریق تعقیب قربانی، گزارش روان‌پزشکی بیان کرد که بزه‌کار تهدیدی مداوم را نسبت به قربانی بروز نداشته است و مستحق حبس نیست؛ اما قاضی این دیدگاه را رد کرد. دادگاه تجدید نظر ابراز داشت که قاضی حق داشته است مطابق دیدگاه خود رأی صادر کند (Hungerford-Welch, op.cit: 566). حال اگر قاضی گزارش را به صورت کلی درخواست ننماید و به نظر برسد دادگاه از انتظار معقولی که ایجاد کرده، عدول کرده است، «قاعده‌ی گیلان» منجر به ابطال حبس تعیین شده‌ی متعاقب آن خواهد شد؛ بنابراین قاضی می‌تواند دستور تهیه‌ی گزارش را به طور کلی و برای ارزیابی مناسب‌ترین واکنش صادر کند؛ که در این صورت، مفاد گزارش الزام‌آور نخواهد بود، یا می‌تواند گزارش را به منظور تحقیق در مورد مناسب‌ترین روش برخورد با مجرم درخواست کند؛ در این شرایط، اگر گزارش مفید و مؤثر بودن استفاده از آن مجازات (واکنش خاص) را تأیید کند، قاضی ملزم به تبعیت از آن است (Ashworth, 2010: 379).

در نظام کیفری این کشور، مدت زمانی که گزارش باید تهیه شود معین شده است. در صورتی که پرونده در دادگاه صلح (مجیستریت) در حال رسیدگی باشد و مجرم با قرار وثیقه یا کفالت آزاد باشد، تعیین مجازات حداکثر تا چهار هفته

1. R v Smith [1998] 1 Cr App R(S) 138.

قابل تعویق است، اما اگر مجرم در بازداشت به سر ببرد، این مدت نمی‌تواند بیش از سه هفته باشد (Section 10(3) of the Magistrates' Courts Act 1980). دادگاه کیفری صلاحیت ذاتی برای به تعویق انداختن صدور مجازات را دارد و در خصوص مدت تعویق محدودیت قانونی مواجه نیست. با این حال دادگاه کیفری معمولاً مدت‌های مشابه با دادگاه صلح را می‌پذیرد.

از مقایسه‌ی رویکرد اتخاذ شده از سوی دو کشور می‌توان برداشت کرد که در نظام ایران برخلاف انگلستان، در مواردی از ملزم بودن مقامات قضایی به اخذ گزارش در ارتباط با وضعیت فردی و اجتماعی صحبت شده و لحاظ چنین گزارش‌هایی در اتخاذ تصمیم مناسب را ضروری دانسته است، اما ضمانت اجرایی برای آن پیش‌بینی نشده است. از سوی دیگر (بر فرض تهیه گزارش) نتیجه‌ی عدم توجه به مفاد آن مورد اشاره قرار نگرفته است. در صورتی که بحث الزام‌آوری اخذ پرونده‌ی شخصیت و مورد توجه قرار دادن آن در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی دچار نقصان نبود، می‌توانست نقطه‌ی قوت نظام حقوقی ایران در مقایسه با نظام حقوقی انگلستان به حساب آید؛ زیرا در این مرحله تصمیمات حائز اهمیت‌تری گرفته می‌شود که می‌تواند آزادی فرد را تحت تأثیر قرار دهد (سهرابی، ۱۳۹۲: ۶۲) و مهم‌ترین مورد آن، قرار بازداشت موقت است. حال با نقص قانون در الزام نمودن ضرورت اخذ و لحاظ نمودن مفاد گزارش‌های مرتبط با شخصیت متهم، باید نتیجه گرفت که در نظام قضایی هر دو کشور، مقامات قضایی الزامی به لحاظ نمودن مفاد چنین گزارش‌هایی در تصمیمات خود ندارند؛ در نظام قضایی انگلستان با توجه به قدرت بالای قضات در امر تعیین مجازات، این عدم الزام قابل استنباط است و در نظام قضایی ایران، نبود ضمانت اجرا نشان از الزامی نبودن این امر است.

۳. مقامات مرتبط با تهیه گزارش

مقامات مرتبط با تهیه‌ی گزارش عبارتند از فردی که دستور تهیه‌ی گزارش را صادر می‌کند؛ و شخص یا اشخاصی که چنین گزارش‌هایی را تهیه می‌کنند. نظام کیفری ایران به موجب قوانین جداگانه به صورت صریح و ضمنی لزوم اخذ گزارش‌های مرتبط با وضعیت روانی، اجتماعی و اقتصادی متهم و

مجرم را در مراحل متفاوت مورد اشاره قرار داده است و افرادی با منصب‌های متفاوت را مسؤول چنین امری شناخته است. به موجب ماده‌ی ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی بازپرس مکلف است دستور تشکیل پرونده‌ی شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده حاوی گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم و گزارش پزشکی و روان‌پزشکی است. پرونده‌ی شخصیت در این مرحله که ابعاد مختلف شخصیت متهم را مد نظر دارد، توسط واحد مددکاری اجتماعی تهیه خواهد شد، اما نکته‌ی مبهم، نحوه‌ی ارتباط این واحد با قوه‌ی قضاییه است. به موجب ماده‌ی ۴۸۶ همین قانون: «قوه قضاییه به منظور انجام وظایف مددکاران اجتماعی، تشکیلات مناسبی تحت عنوان مددکاری اجتماعی را در حوزه قضایی هر شهرستان ایجاد می‌نماید». در ادامه، ماده‌ی ۴۸۷ در خصوص افرادی که در این واحد حضور دارند، چنین بیان می‌کند: «مددکاران اجتماعی از بین فارغ‌التحصیلان رشته‌های مددکاری اجتماعی، علوم تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و حقوق استخدام می‌شوند».

عدم تصویب آیین‌نامه‌ی اجرایی این ماده و ماده‌ی ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری و به تبع آن، تشکیل چنین واحدی در دادگستری هر شهرستان است^۱، مانع از اجرایی شدن این مواد گردیده است. در صورت تشکیل چنین واحدی، با توجه به افراد متخصص حاضر در این واحد، چگونگی تهیه گزارش پزشکی، روان‌پزشکی و اقتصادی مرتبط با متهم مشخص نیست^۲.

در مرحله‌ی رسیدگی در دادگاه، با توجه به این که لزوم تشکیل پرونده‌ی شخصیت و اخذ گزارش‌هایی در خصوص متهم، به صورت تلویحی و نه صریح مورد اشاره قرار گرفته است، مقامات درگیر در این فرایند نیز مورد ابهام است.

۱. با تصویب «آیین‌نامه مراقبت بعد از خروج معتادان» در اجرای تبصره‌ی یک ماده‌ی ۱۶ اصلاحی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹، در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۱۱، بار دیگر به مددکاران اجتماعی اشاره شده است. بند ۱۱ از ماده‌ی یک این آیین‌نامه در تعریف مددکار اجتماعی (مراقبت) چنین آورده است: «فرد آموزش دیده و واجد شرایط که طبق ضوابط و مقررات صلاحیت وی به تأیید رسیده و پی‌گیری و نظارت بر حسن اجرای تکالیف مراقبت بعد از خروج فرد و یا افراد را در زمان مقرر به عهده داشته و موظف است گزارش وضعیت را به طور مستمر به مدیر مرکز گزارش دهد».

۲. زیرا افراد شاغل در این واحد، تخصص مرتبط با این امور را ندارند.

به عنوان مثال، به موجب ماده‌ی ۴۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، در صورت صدور قرار تعویق صدور حکم و «پس از گذشت مدت تعویق، دادگاه با توجه به میزان پای‌بندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند»، اما مشخص نیست که گزارش‌های مددکار اجتماعی حاوی چه مطالبی است. از طرفی با در نظر گرفتن مفاد ماده‌ی ۴۲ همین قانون می‌توان نتیجه گرفت که وظیفه مددکار تنها فراهم آوردن زمینه‌ی اجرای مناسب دستوراتی است که از سوی دادگاه صادر شده است.^۱

اگر در جریان دادرسی، متهم مجرم شناخته و به مجازات حبس محکوم شود، در آغاز فرایند اجرا جهت تصمیم‌گیری در مورد بهترین شیوه‌ی ممکن، طبق مواد ۶۳ به بعد آیین‌نامه‌ی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، شورای طبقه‌بندی دستور تشکیل پرونده‌ی شخصیت را می‌دهد. این پرونده توسط مددکاران اجتماعی که با این شورا همکاری می‌کنند و طبق فرم‌های تنظیمی از سوی سازمان زندان‌ها تشکیل می‌شود. مددکار تحقیقات لازم را در مورد پیشینه‌ی زندگی فرد به عمل آورده و گزارش کاملی از دوران طفولیت تا زمان تنظیم گزارش در محیط‌های خانوادگی، تحصیلی، حرفه‌ای و غیره تهیه و همراه با اظهار نظر خود، نظرات متخصصان بالینی را نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

با توجه به تفکیک مرحله‌ی محکومیت از مرحله‌ی تعیین مجازات در نظام قضایی انگلستان^۲، قضات در این کشور حق تعیین مجازات را به طور کامل برای خود قائل هستند و اخذ گزارش‌هایی در خصوص وضعیت اجتماعی و شخصی

۱. ماده‌ی ۴۲: «تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است: الف - حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر؛ ب - ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل‌کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی؛ پ - اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه‌جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی؛ ت - کسب اجازه از مقام قضایی به منظور مسافرت به خارج از کشور».

۲. در این کشور مرحله‌ی احراز مجرمیت یا محکومیت (conviction) از امر تعیین مجازات (sentencing) مجزا است. مرحله‌ی نخست تصمیمی است که به فراخور نوع پرونده از سوی قاضی یا هیات منصفه در خصوص گناه‌کار بودن یا نبودن متهم اتخاذ می‌شود (Guilty or not guilty)؛ اما در مرحله‌ی دوم، قاضی تصمیم می‌گیرد که بر اساس شرایط پرونده چه واکنشی در خصوص محکوم مناسب است (Martin, 2014: 118).

مجرم، با هدف تصمیم‌گیری در مورد مناسب‌ترین نحوه‌ی برخورد با اوست؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت که دستور به تهیه‌ی چنین گزارش‌هایی تنها در صلاحیت قاضی است که پس از صدور حکم محکومیت و پیش از تعیین مجازات به عمل می‌آید.

نظام قضایی این کشور در ارتباط با مسؤول تهیه‌ی گزارش پیش از تعیین مجازات برای اطفال و نوجوانان، رویکردی افتراقی را برگزیده که مورد اشاره قرار خواهد گرفت؛ اما در خصوص مجرمانی که به سن هجده سالگی رسیده باشند، این وظیفه عهده‌ی مأموران دوره‌ی مراقبتی^۱ است. فرم و محتوای این گزارش‌ها توسط استاندارد ملی برای مدیریت مجرمان (۲۰۰۷)^۲ سامان‌دهی می‌شود (Ursula, 2006: 128).

برای مجرمان زیر سیزده سال، گزارش‌ها توسط مددکاران اجتماعی (حوزه) محلی آماده می‌شود. در مورد متخلفان جوان که به سن بیست و دو سالگی رسیده‌اند، گزارش‌ها توسط مددکاران اجتماعی و یا مأموران دوره‌ی مراقبتی آماده می‌شود. چنین گزارش‌هایی معمولاً توسط مددکاران اجتماعی تهیه می‌شود، اما چنان‌چه به عنوان مثال خدمات دوره‌ی مراقبتی پیش از آن با یکی از اعضای خانواده‌ی مجرم ارتباط داشته باشد، تهیه‌ی گزارش با مأموران این سرویس خواهد بود (Gooch; Williams, 2007: 329).

پیش از تعیین مجازات در مورد یک نوجوان، دادگاه باید به او یا والدین و یا مددکار، یک فرصت برای بیان اظهارات در خصوص حکم مناسب را بدهد؛ بنابراین در نظام قضایی انگلستان تنها در مرحله‌ی رسیدگی در دادگاه و تنها توسط قاضی، دستور تهیه‌ی چنین گزارشی صادر می‌شود (S.158 (1) Criminal Justice Act 2003)^۳. مسؤول تهیه‌ی گزارش نیز به

1. probation officers

2. National Standards for the Management of Offenders

۳. بخش ۱۵۸ قانون عدالت کیفری با عنوان «معنای گزارش پیش از تعیین مجازات»، در بند نخست بیان می‌کند که این گزارش با دیدگاه ارزیابی دادگاه برای در نظر گرفتن مناسب‌ترین راهکار برخورد با مجرم، از سوی مأموری صالح ایجاد یا ارائه می‌شود. در ادامه قید می‌کند شیوه و محتوای گزارش، بنا بر آن چیزی خواهد بود که وزارت کشور تعیین می‌کند. در مراحل پیش از دادگاه شاهد کاربرد چنین مفهومی از سوی قانون‌گذار نیستیم؛ بنابراین

فراخور مجرم و دیگر شرایط، مأموران دوره‌ی مراقبتی یا مددکاران اجتماعی خواهند بود (S.158 (2) Criminal Justice Act 2003).

در نظام قضایی ایران چنین گزارش‌هایی می‌تواند یک مرتبه در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی و به دستور بازپرس و توسط مددکاران اجتماعی مورد نظر همین قانون تشکیل شود. خلاصه‌ی این پرونده ضمن کیفرخواست به قاضی منتقل می‌شود. قاضی می‌تواند در مواردی که خلاصه‌ی پرونده‌ی شخصیت مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی به دست او رسیده و یا در سایر موارد، بار دیگر دستور تهیه گزارش‌هایی در خصوص متهم را بدهد؛ البته مشخص نشده است که تهیه‌ی چنین گزارش‌هایی بر عهده‌ی چه شخص یا نهادی است. در فرایند اجرای مجازات حبس نیز بار دیگر شورای طبقه‌بندی زندان دستور تهیه‌ی چنین گزارشی را باید صادر کند که مشخصاً با توجه به اهداف تعریف شده برای آن، مستقل و متفاوت از گزارش‌های پیشین خواهد بود. حال با توجه به این که گزارش‌های مرتبط با وضعیت مجرم با هدف اتخاذ مناسب‌ترین شیوه‌ی برخورد با او تهیه می‌شود، به نظر می‌رسد رویکرد نظام قضایی انگلستان که تنها قاضی که مسؤول تعیین مجازات است را صالح به این امر دانسته، پسندیده‌تر باشد.

۴. دسترس‌پذیری افراد به گزارش

موضع نظام کیفری ایران در ارتباط با افرادی که حق دسترسی و اطلاع از مفاد گزارش‌های تهیه شده در خصوص متهم یا مجرم را دارند، در سه مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی، رسیدگی در دادگاه و اجرای حکم قابل بررسی است که به دلیل مشابهت قواعد کلی، به صورت یکپارچه بحث می‌شود.

در نخستین مرحله، طبق صراحت ماده‌ی ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، بازپرس دستور تهیه‌ی این گزارش را به واحد مددکاری اجتماعی صادر می‌کند. از سوی دیگر طبق بند چ ماده‌ی ۲۷۹ همین قانون، یکی از مواردی که در کیفرخواست باید ذکر شود « خلاصه‌ی پرونده‌ی شخصیت یا وضعیت روانی

نتیجه گرفته می‌شود که این گزارش تنها در مرحله‌ی رسیدگی در دادگاه و صرفاً برای تعیین واکنش متناسب تهیه می‌شود.

متهم» است؛ بنابراین زمینه‌ی دسترسی بازپرس و دادستان به گزارشی که متضمن وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم یا وضعیت پزشکی و روان‌پزشکی اوست، فراهم است. طبیعتاً چنان‌چه قاضی محکمه ملاحظه‌ی چنین گزارش‌هایی را لازم بداند، از مفاد آن آگاه خواهد شد. همین امر در خصوص شورای طبقه‌بندی زندان نیز صادق است؛ اما موضوعی که در این خصوص قابل طرح است، امکان دسترسی متهم، مجرم، محکوم یا وکیل او به این گزارش‌ها است. هیچ یک از مقرراتی که به آن‌ها اشاره شد، در بر دارنده‌ی مطلبی که حاکی از امکان دسترسی متهم، مجرم یا وکیل او به این گزارش‌ها باشد، نیست. از سوی دیگر، بر اساس ماده‌ی ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) پرونده‌ی شخصیت مورد نظر این ماده به صورت مستقل از پرونده‌ی کیفری تشکیل می‌شود؛ بنابراین مواد قانونی که به امکان اطلاع متهم از محتویات پرونده‌ی کیفری مربوط است، در خصوص پرونده‌ی شخصیت جاری نخواهد بود.^۱ در نتیجه باید گفت که در شرایط فعلی، مجرم یا وکیل او حق آگاه شدن از مطالب مندرج در گزارش موضوع بحث را ندارند. در صورتی که قاضی دستور تهیه‌ی گزارش در خصوص متهم را صادر کرده باشد، علی‌القاعده دادستان نیز از مفاد آن آگاه نخواهد شد.

در رویکردی متفاوت از آن‌چه در ارتباط با نظام قضایی ایران گفته شد، رویه‌ی دادگاه‌های انگلستان بدین شکل است که وکیل مدافع همواره یک نسخه از گزارش پیش از تعیین مجازات را در اختیار دارد. اگر محکوم این گزارش را نداشته باشد، می‌تواند درخواست مطالعه‌ی آن را بنماید و در صورتی که محکوم شخصاً اقدام به مطالعه‌ی گزارش تهیه شده نکند، وکیل مدافع می‌تواند محتویات آن را خلاصه‌برداری کند (Hungerford-Welch, 2004: 586).

در خصوص دسترسی دادستان به این گزارش رویکرد نظام قضایی انگلستان متفاوت از ایران به نظر می‌رسد؛ زیرا در حال حاضر، داشتن نسخه‌ای از گزارش برای دادستان امری نادر است. این موضوع چندان مورد مناقشه نیست؛ زیرا دیدگاه

۱. به عنوان مثال، طبق ماده‌ی ۱۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) می‌توان اصل را بر محق بودن متهم و وکیل او برای دسترسی به اطلاعات موجود در پرونده گذاشت. در صورتی که بنا به دلایل موجه بازپرس قصد نادیده گرفتن این اصل را داشته باشد، باید قرار عدم دسترسی صادر نماید که این قرار قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

سنتی این است که دادستان نقشی در تعیین مجازات ندارد و صرفاً حق دارد اطمینان حاصل کند دادگاه از قدرت تعیین مجازات تجاوز نکرده است (Ibid). این امر که دادستان نسخه‌ای از گزارش را در اختیار نخواهد داشت، لزوماً به معنای عدم آگاهی او از مفاد آن نخواهد بود؛ زیرا گزارش پیش از تعیین مجازات نسبت به مجرم، نماینده‌ی قانونی او و دادستان فاش می‌شود (2003 Criminal Justice Act (a)(2).159 s). البته فاش شدن گزارش برای دادستان محدود به موارد خاصی است و چنانچه دادگاه تشخیص دهد آگاهی دادستان از مفاد گزارش مناسب نیست، الزامی به افشای مطالب برای او ندارد (2003 Criminal Justice Act (4).159 s). افشای گزارش برای دادستان بر اساس بخش ۱۵۶ به این معناست که به دادستان فرصت بررسی اطلاعات مرتبط با امور موضوعی موجود در این گزارش که موافق با اطلاعات موجود در پرونده‌ی بازجویی است، داده شود. در نتیجه هر گونه اظهاری که از سوی دادستان صورت گیرد، محدود به جلب توجه دادگاه به اشتباه مربوط به امور موضوعی در گزارش است (Hungerford-Welch, 204: 568).

در خصوص مجرم زیر هجده سال که فاقد نماینده‌ی قانونی (وکیل) است، مفاد گزارش نسبت به والدین یا قیم وی در صورت حضور در دادگاه افشا می‌شود. پیش از تعیین مجازات در مورد نوجوان، دادگاه باید به او یا والدین و یا مددکار، یک فرصت برای بیان اظهارات در خصوص حکم مناسب را بدهد (2003 Criminal Justice Act (b)(2).159 s).

همان‌طور که بیان شد، متصدیان عدالت کیفری سعی در تطبیق پاسخ‌های کیفری، اقدامات تأمینی و تربیتی و به طور کلی تصمیم‌های قضایی با شخصیت متهم یا بزه‌کار دارند. بر این مبنا، رویکرد نظام قضایی انگلستان با توجه به ذی‌نفع بودن متهم یا مجرم نسبت به گزارشی که درباره‌ی او تهیه می‌شود، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. موضع نظام حقوقی ایران با هدف فراهم نمودن این گزارش‌ها که تعیین بهترین واکنش نسبت به متهم است هم‌خوانی ندارد؛ زیرا این افراد یا وکلای آن‌ها می‌توانند مطالبی به گزارش افزوده و آن را به نحوی جرح یا تعدیل نمایند؛ اقدامی که می‌تواند هدایت‌کننده‌ی مقام قضایی در راستای اتخاذ تصمیم باشد.

برآمد

۱- قانون‌گذاران و متصدیان دستگاه قضایی در قوانین و آیین‌نامه‌ها به تحقیق درباره‌ی شخصیت متهم توجه داشته‌اند و گاه مقامات قضایی را مکلف به صدور دستور تشکیل پرونده‌ی شخصیت نموده‌اند؛ با این وجود و با در نظر گرفتن مواضع حقوقی انگلستان در این موضوع، به نظر می‌رسد که قانون‌گذار ایران تمامی ساز و کارهای لازم جهت تحقق اهداف مورد نظر را پیش‌بینی ننموده است.

۲- تشکیل چنین پرونده‌هایی منوط به استفاده از کارشناسان ذی‌ربط و مددکاران متعهد است که در این صورت فرایند کیفری، نظام قضایی را به تأمین دادرسی منصفانه و ملموس نمودن بهتر عدالت رهنمون می‌سازد. جدای از کمبودهای مالی، آموزشی و تراکم پرونده‌های کیفری که هر یک به نوبه‌ی خود مانعی جدی بر سر راه در نظر گرفتن ابعاد فردی و اجتماعی شخصیتی بزه‌کار خواهد بود، قوانینی که به بحث پرونده‌ی شخصیت پرداخته‌اند نیز با کمبودهایی مواجه است.

۳- نظام حقوقی ایران، بر خلاف انگلستان که تهیه گزارش‌های مورد بحث را فقط در مرحله‌ی دادگاه و توسط قاضی پیش‌بینی نموده است، در مراحل تحقیقات مقدماتی، محاکمه و اجرای مجازات حبس؛ تهیه‌ی چنین گزارش‌هایی را مقرر نموده است. این نکته شاید در ظاهر امر مناسب باشد، اما با توجه به عدم هماهنگی بین این مراحل، متناسب نبودن کیفرهایی که تهیه گزارش در مورد آن‌ها لازم است و استمرار نداشتن استفاده از مفاد گزارش در مراحل بعدی، به کارگیری گزارش‌ها با مشکلات جدی مواجه است.

۴- در نظام قضایی انگلستان قاضی اجبار به اخذ گزارش ندارد و می‌تواند به مفاد آن پای‌بند نباشد. نظام حقوقی ایران در پاره‌ای از موارد به الزامی بودن اخذ گزارش و پای‌بندی به مفاد آن اشاره نموده است، اما لوازم این ضرورت را معین نکرده است. شاید الزام به در نظر گرفتن مفاد گزارش در پاره‌ای موارد امر مثبتی باشد، اما زمینه‌ی الزام قاضی به لحاظ نمودن مفاد گزارش در تصمیم خود در عمل متزلزل است.

۵- در نظام حقوقی انگلستان صدور دستور تهیه گزارش در خصوص ابعاد

فردی و اجتماعی شخصیت بزه‌کار تنها در صلاحیت قاضی است و تهیه‌ی آن با توجه به سن مرتکب و سایر شرایط بر عهده‌ی مأموران دوره‌ی مراقبتی یا مددکاران اجتماعی می‌باشد. در نظام حقوقی ایران این گزارش‌ها با توجه به مرحله‌ای که پرونده در آن قرار دارد، به دستور بازپرس، قاضی و شورای طبقه‌بندی زندان صادر می‌شود و در تمام مراحل بدون در نظر گرفتن سن بزه‌کار، گزارش توسط واحد مددکاران اجتماعی تهیه می‌شود.

۶- نهاد مددکاری که قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به آن تصریح نموده است، تاکنون در دادگستری‌های شهرستان تشکیل نشده است و میان مقامات در مراحل مختلف هماهنگی لازم وجود ندارد؛ به نحوی که هر یک از این افراد می‌تواند بدون توجه به پرونده‌ی پیشین، پرونده‌ی جدیدی تشکیل داده و بر اساس آن تصمیم بگیرد.

۷- در نظام قضایی انگلستان، افزون بر قاضی، دادستان، مجرم یا وکیل او نیز حق آگاهی از مفاد گزارش را دارند که با توجه به هدف فردی کردن مجازات و تعیین بهترین شیوه‌ی برخورد با مجرم، رویکرد مناسبی به نظر می‌رسد. در قوانین ایران به حق بزه‌کار بر دسترسی به پرونده‌ی شخصیت اشاره نشده است، بلکه با تصریح به مستقل بودن پرونده‌ی شخصیت از پرونده‌ی کیفری، حکم بر فقدان چنین حقی برای متهم یا محکوم اقرب به صواب است؛ این امر با اهداف مورد نظر از تشکیل چنین پرونده‌ای هم‌خوانی ندارد.

فهرست منابع

- آشوری، محمد، *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، تهران: سمت، چاپ یازدهم، ۱۳۸۸.
- ابراهیمی، ابراهیم، «موانع تشکیل پرونده شخصیت در نظام کیفری ایران»، فصل‌نامه‌ی مطالعات پیش‌گیری از جرم، شماره‌ی ۱۸، بهار ۱۳۹۰.
- شامبیاتی، هوشنگ، *حقوق جزای عمومی*، تهران: ژوبین، چاپ دهم، ۱۳۸۰.
- شاملو، باقر و گوزلی، مهدی، «پرونده‌ی شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، شماره‌ی ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
- محسنی، مرتضی، *کلیات حقوق جزای عمومی*، تهران: گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- محمدرضا پور، بابک، «لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرایند دادرسی کیفری ایران»، *مجله‌ی علمی پزشکی قانونی*، دوره‌ی ۱۹، شماره‌های ۲ و ۳، زمستان ۱۳۹۲.
- سهرابی، صدیقه، *نقش پرونده شخصیت محکوم‌علیه در حقوق ایران*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۹۲.
- گوهری، سعید، *پرونده شخصیت در نظام کیفری ایران*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم، ۱۳۹۰.
- Ashworth, Andrew, *Sentencing and Criminal Justice*, Fifth edition: Cambridge University Press, 2010.
- Black, Henry Campbell, *Black's law dictionary*, 6th ed. West Publishing, 1990.
- Gooch, Graham; Williams, Michael, *A Dictionary of Law Enforcement*, Oxford University Press, 2007.
- Hungerford-Welch, Peter, *Criminal litigation and sentencing*, Sixth edition, London: Cavendish Publishing, 2004.
- Martin, Elizabeth A, *A Dictionary of Law*, Oxford University

Press, 2014.

Smartt, Ursula, *Criminal Justice*, London, SAGE Publications Ltd, 2006.

Tata, Cyrus; Burns, Nicola; Halliday, Simon; Hutton, Neil; McNeill, Fergus, *Assisting and Advising the Sentencing Decision Process: The Pursuit of 'Quality' in Pre-Sentence Reports*, The British Journal of Criminology, Vol. 48, Issue 6, 2008.

Williams, J.E, *"Report of the Interdepartmental Committee on the Business of the Criminal Courts"*, Modern Law Review. Blackwell Publishing. 24 (3), 1961.

Magistrates' Courts Act 1980.

Criminal Justice Act 2003.